

علم أصول الفقه

٩٨

مباحث الفاظ ٣-٣-٩٤

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

ما يعاين المؤمن و الكافر

• ٢٢٣ النَّضْرُ بْنُ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَلَوْ لَا إِذَا بَلَغْتَ الْحُلُقُومَ وَ أَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَ لَكِنْ لَا تَبْصُرُونَ فَلَوْ لَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قَالَ إِنْ نَفْسَ [النَّفْسِ] الْمُحْتَضِرِ إِذَا بَلَغْتَ الْحُلُقُومَ وَ كَانَ مُؤْمِنًا رَأَى مَنْزِلَهُ فِي [مِنْ] الْجَنَّةِ فَيَقُولُ رُدُّونِي إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى أَخْبِرَ أَهْلَهَا بِمَا أَرَى فَيُقَالُ لَهُ لَيْسَ إِلَيَّ ذَلِكَ سَبِيلَ «٢٣٠»

• (٢٣٠) البحار ٦ / ٢٠٠ و تفسير البرهان في ذيل الآيتين ٨٣ و ٨٤ من سورة ٥٦ (م ٤ / ٢٨٤) و ذكر الآيات الى قوله: و ان كنتم صادقين و كذلك النسخ و لكن فيها: حتى إذا بلغت و هو غلط واضح.

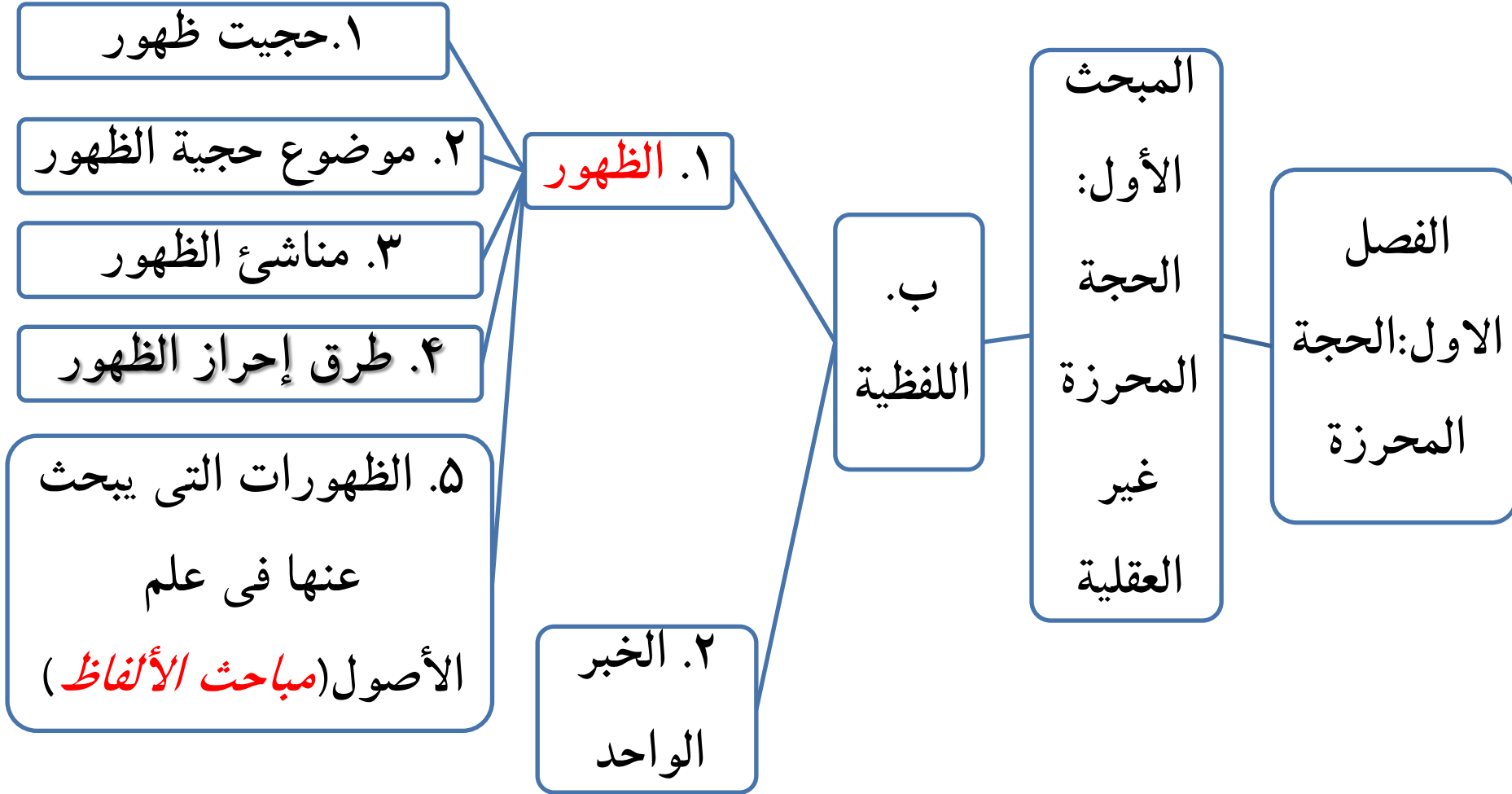
ما يعاين المؤمن و الكافر

- ٢٢٤ النُّضْرُ بْنُ سُؤَيْدٍ عَنِ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الطَّائِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: إِنَّ أَشَدَّ مَا يَكُونُ عَدُوَّكُمْ كَرَاهَةً [كَرَاهَتُهُ] لِهَذَا الْأَمْرِ إِذَا بَلَغَتْ نَفْسُهُ هَذِهِ وَأَشَدَّ مَا يَكُونُ أَحَدُكُمْ اغْتِبَاطًا بِهِ إِذَا بَلَغَتْ نَفْسُهُ هَذِهِ وَأَشَارَ إِلَى حَلْقِهِ فَيَنْقَطِعُ [فَتَقَطُّعُ] عَنْهُ أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَ مَا كَانَ يُحَازِرُ عَنْهَا [فِيهَا] وَ يُقَالُ لَهُ أَمَامَكَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلِيٌّ وَ الْأَئِمَّةُ ع «٢٣١»
- (٢٣١) البحار ٦ / ١٨٤.

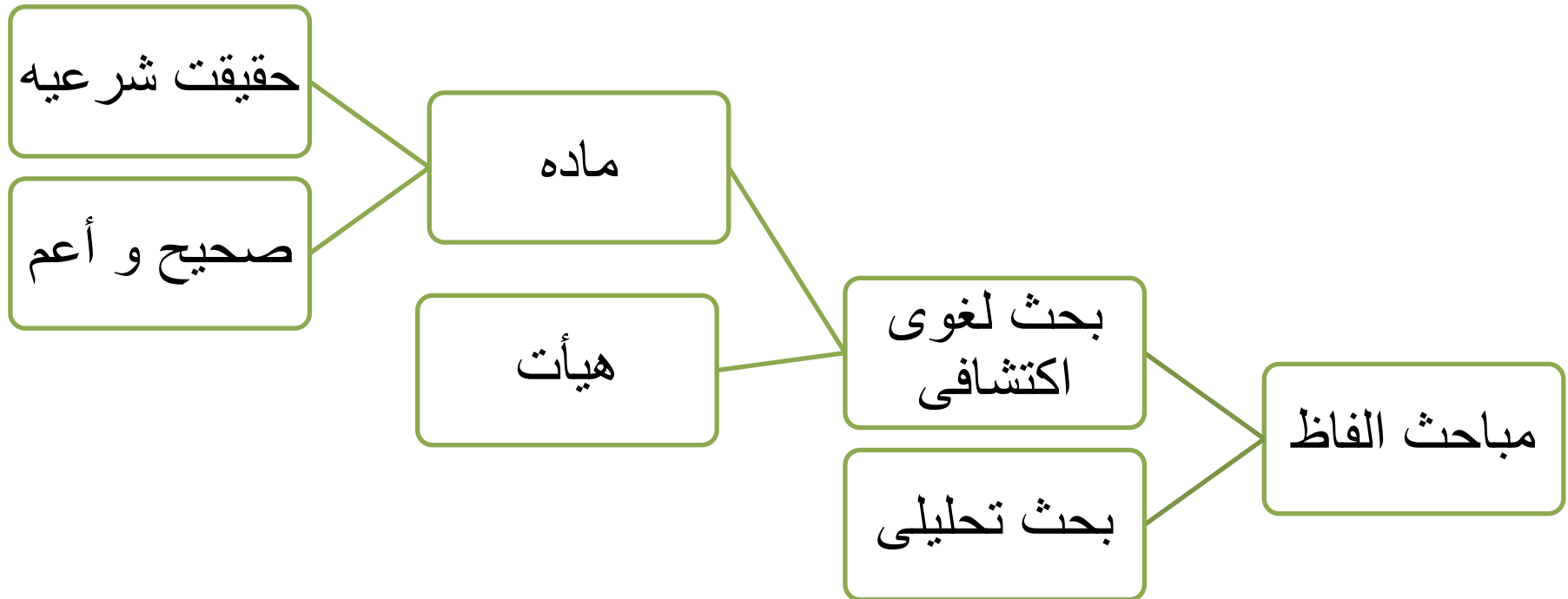
ما يعاين المؤمن و الكافر

- ٢٢٦ القاسم عن كليب الأسدي قال: قلت لأبي عبد الله ع جعلني الله فداك بلغنا [بلغني] عنك حديث قال و ما هو؟ قلت قولك إنما يغتبط صاحب هذا الأمر إذا كان في [بلغت] هذه و أومات بيدك إلى خلقك فقال نعم إنما يغتبط أهل هذا الأمر إذا بلغت هذه و أوما بيده إلى خلقه أما ما كان يتخوف من الدنيا فقد ولي عنه و أمامه رسول الله ص و علي و الحسن و الحسين ص «٢٣٣»

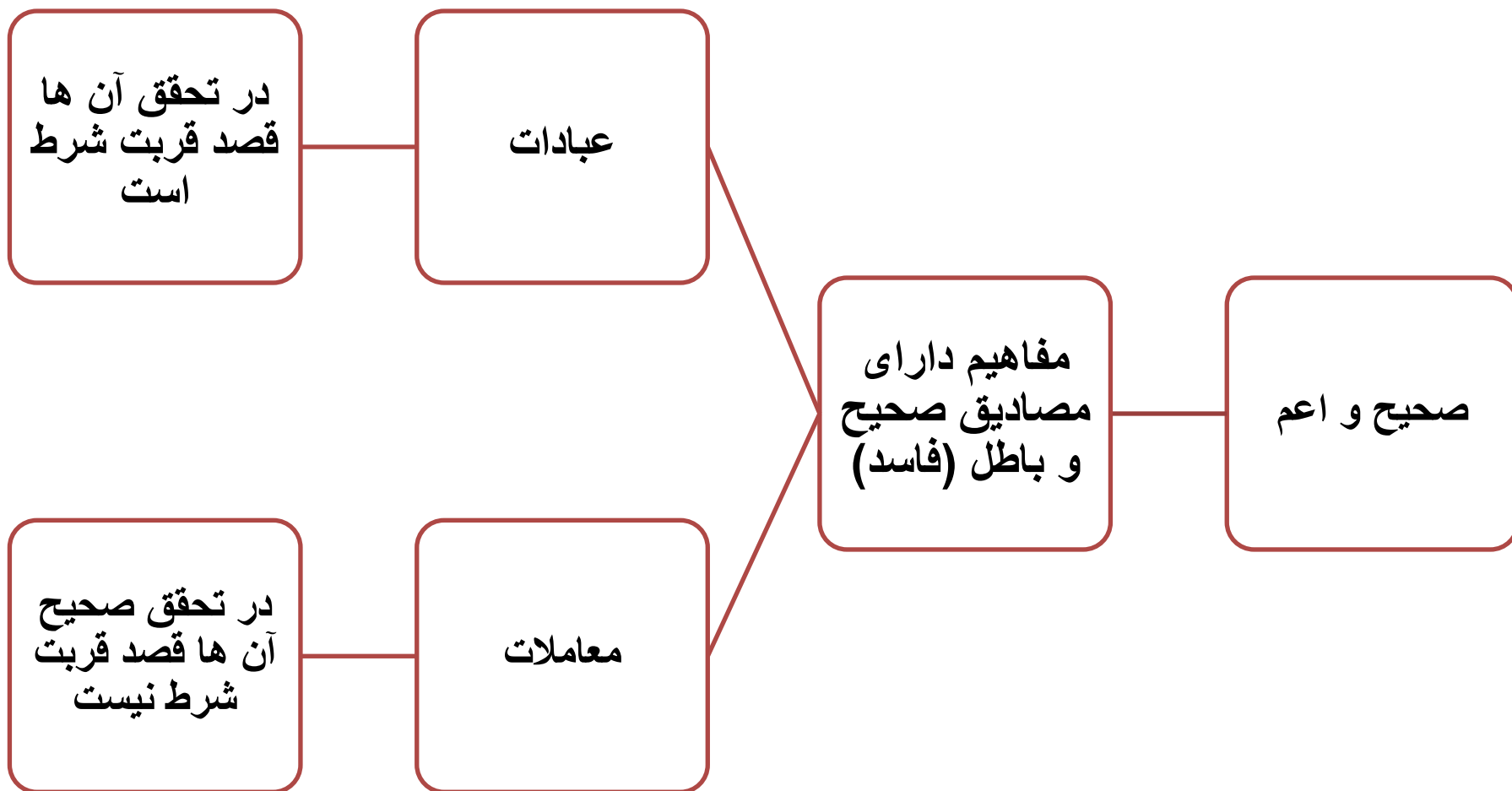
- (٢٣٣) البحار ٦ / ١٧٧ و فيه: جعلني الله فداك.

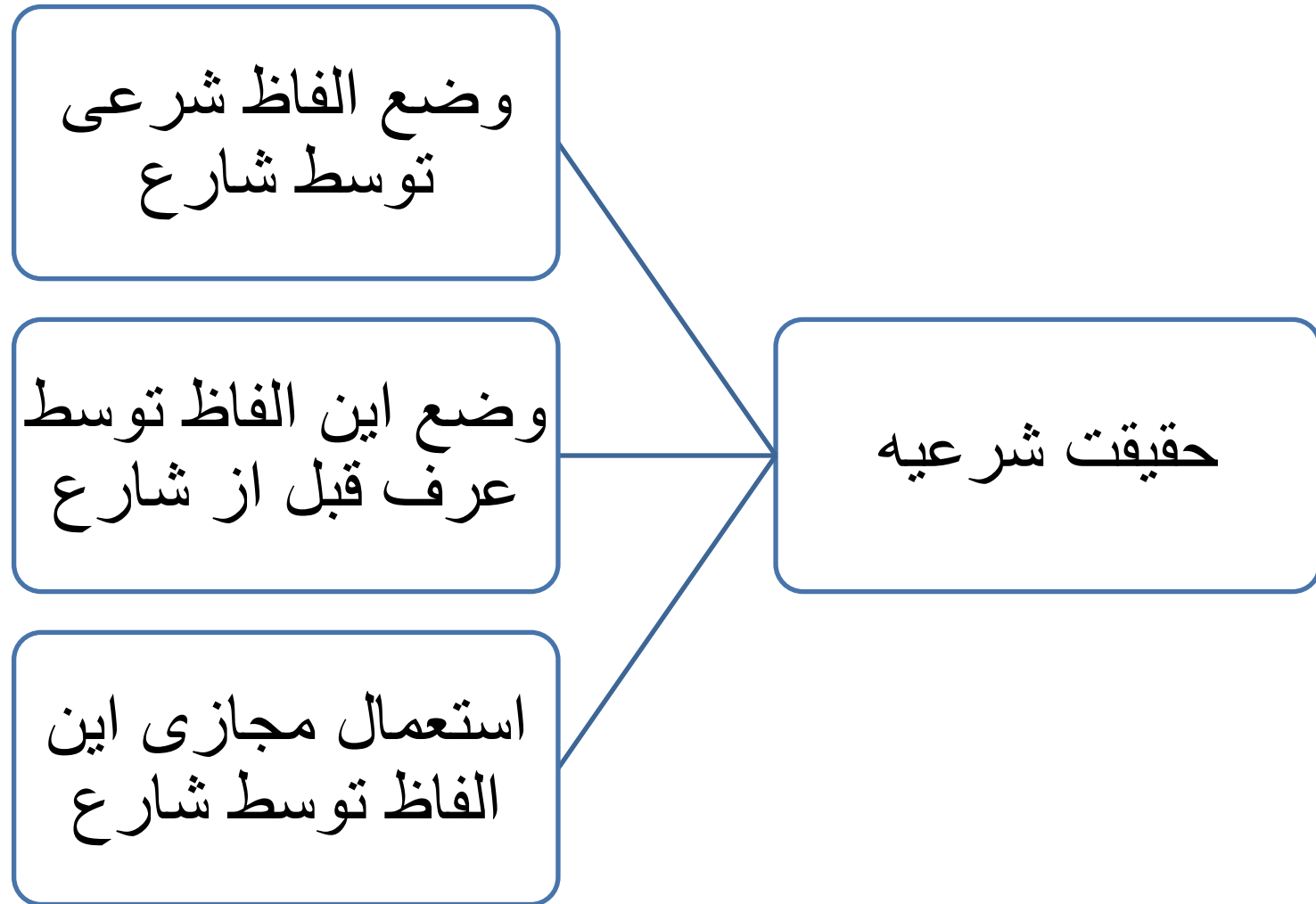


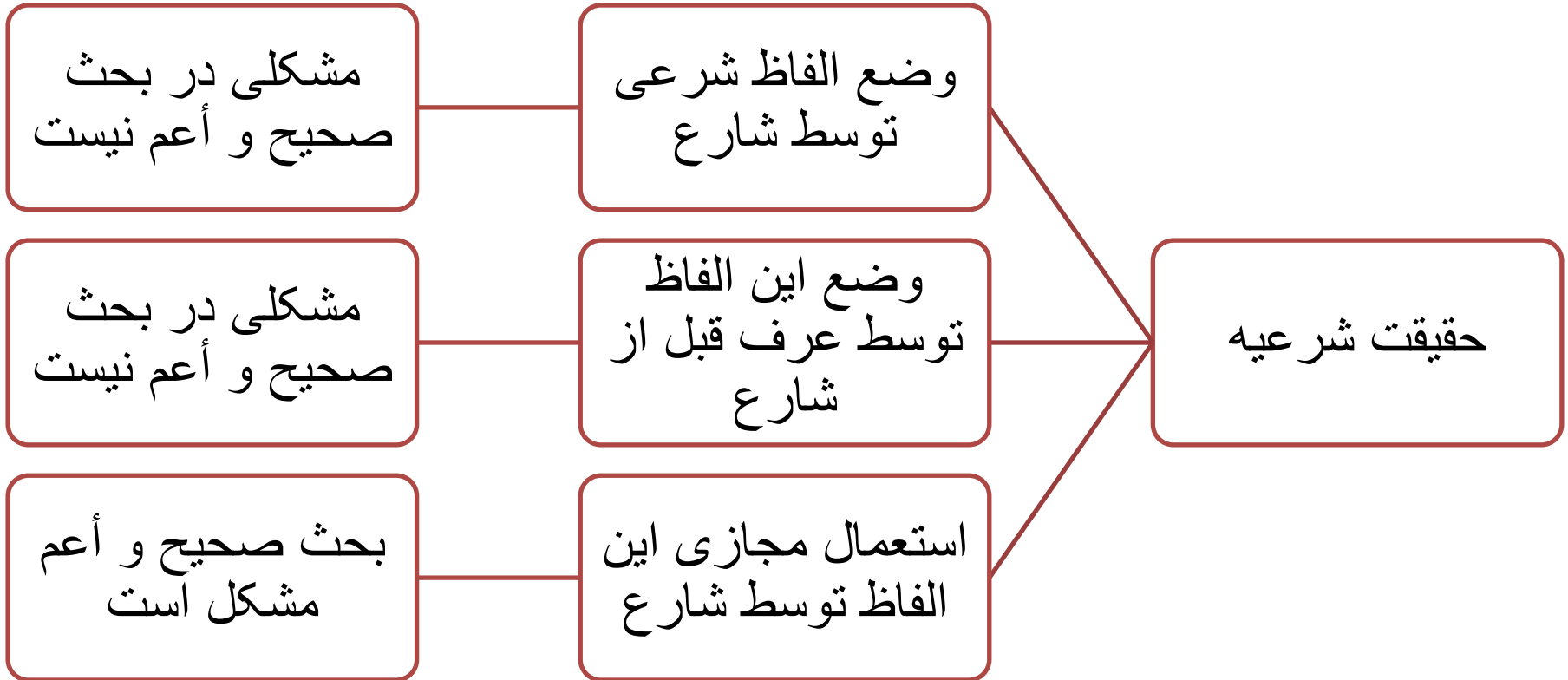
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ

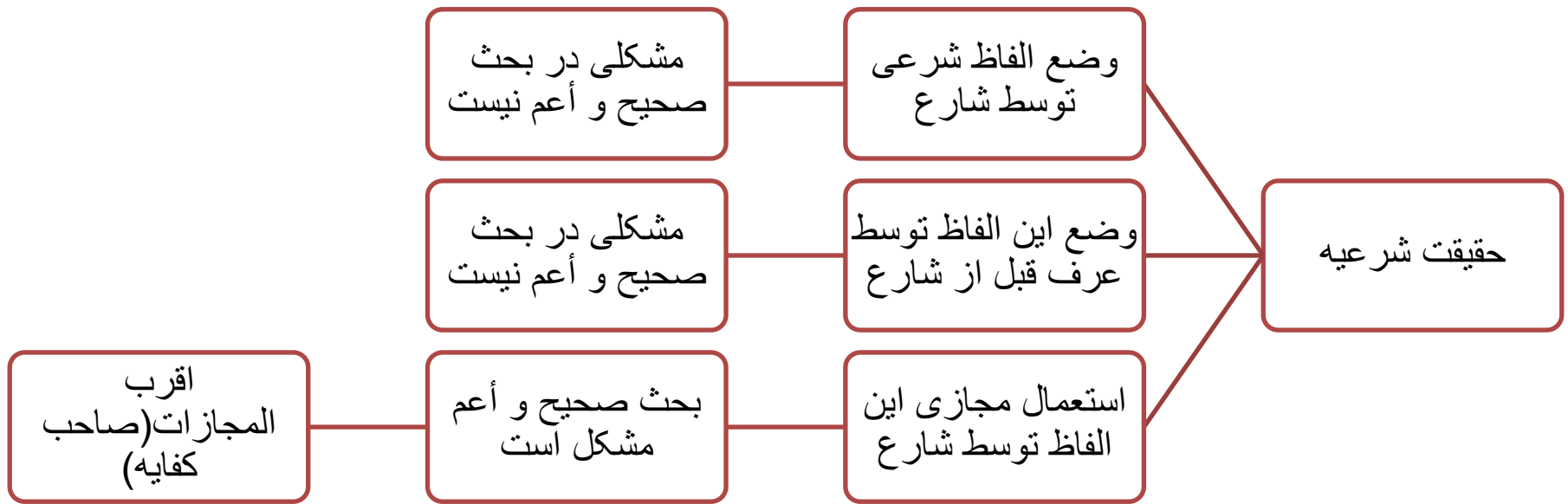


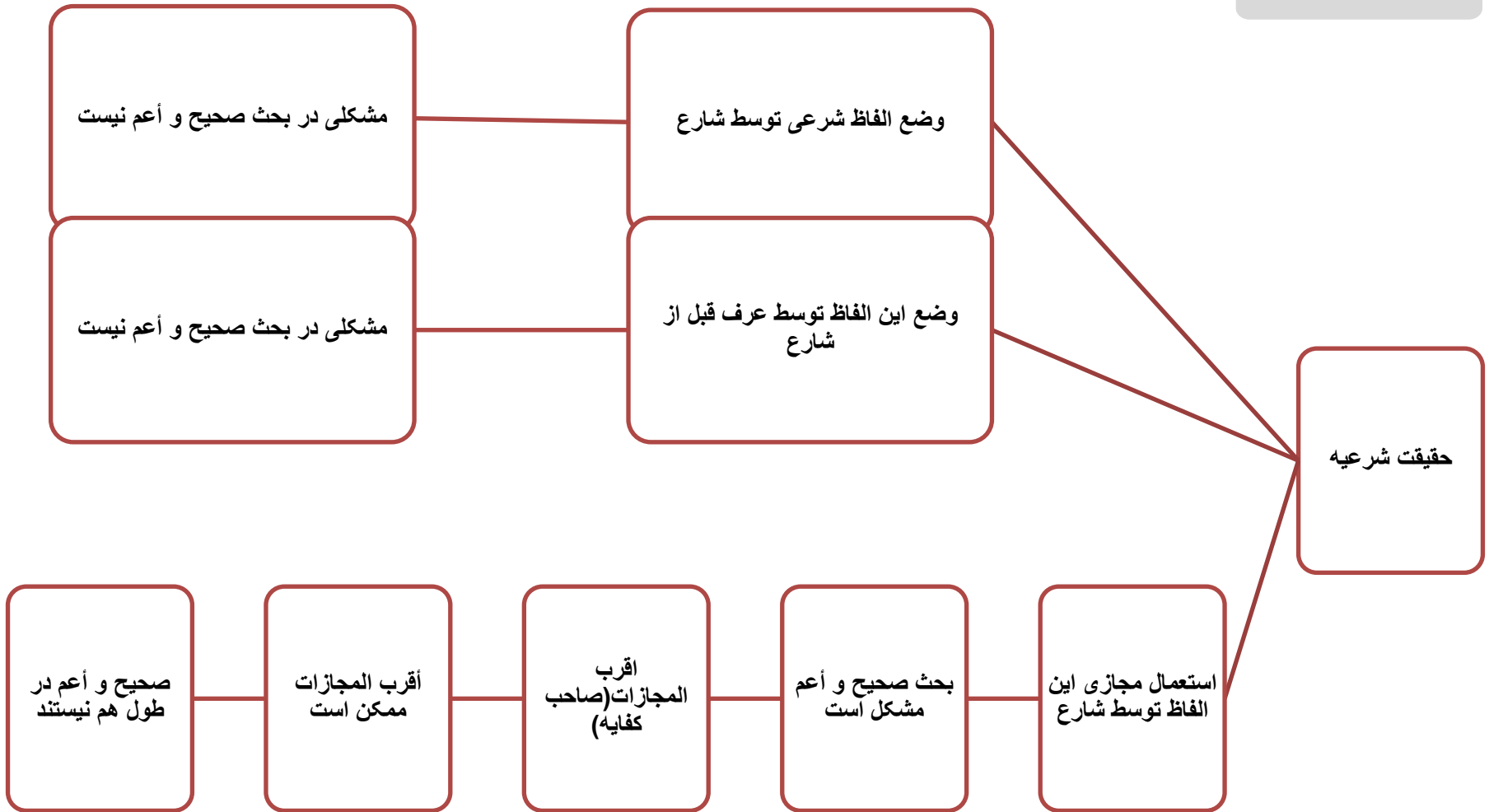
صحيح و أعم











حقیقت
شرعیہ

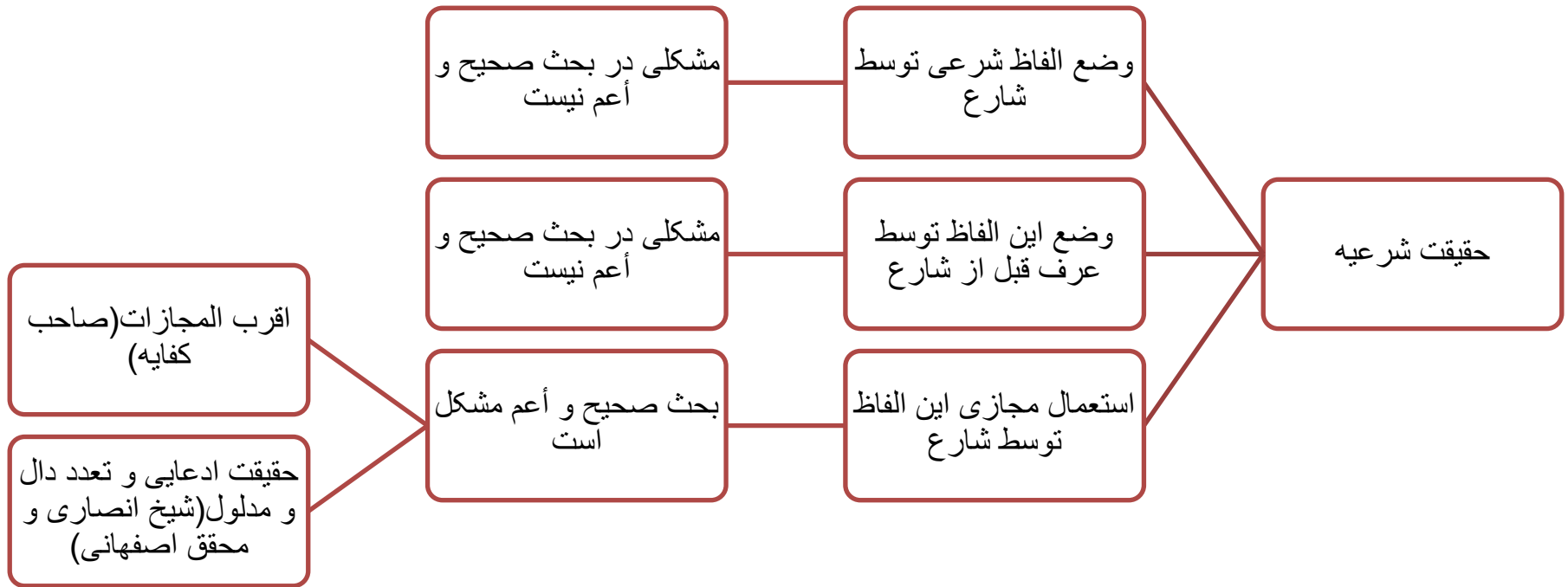
استعمال
مجازی
این الفاظ
توسط
شارع

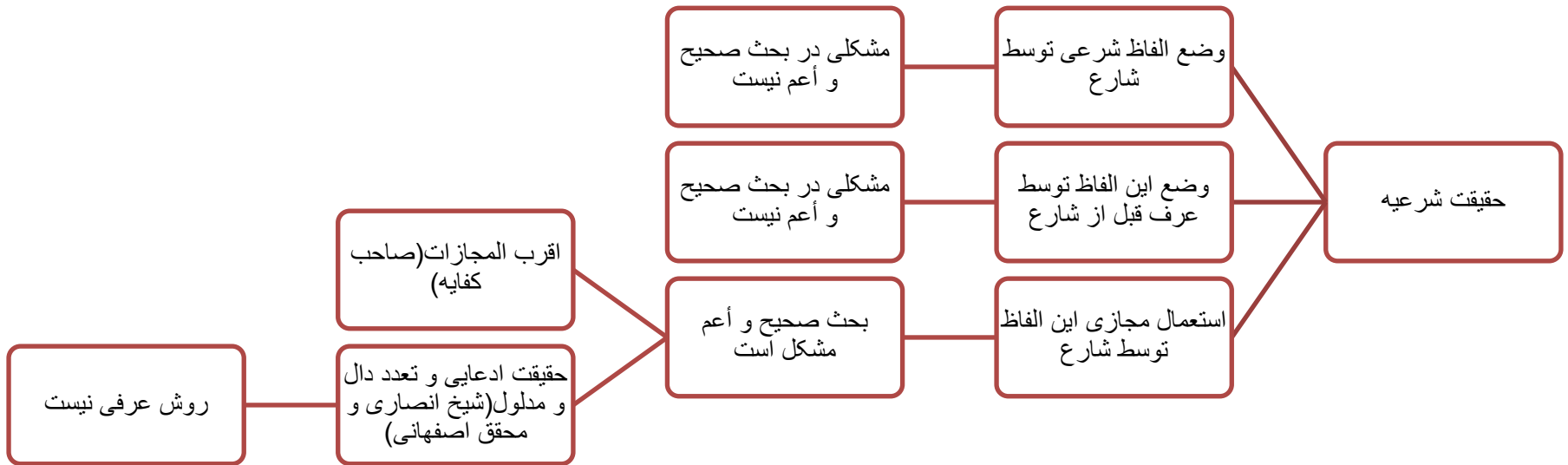
بحث
صحیح و
أعم
مشکل
است

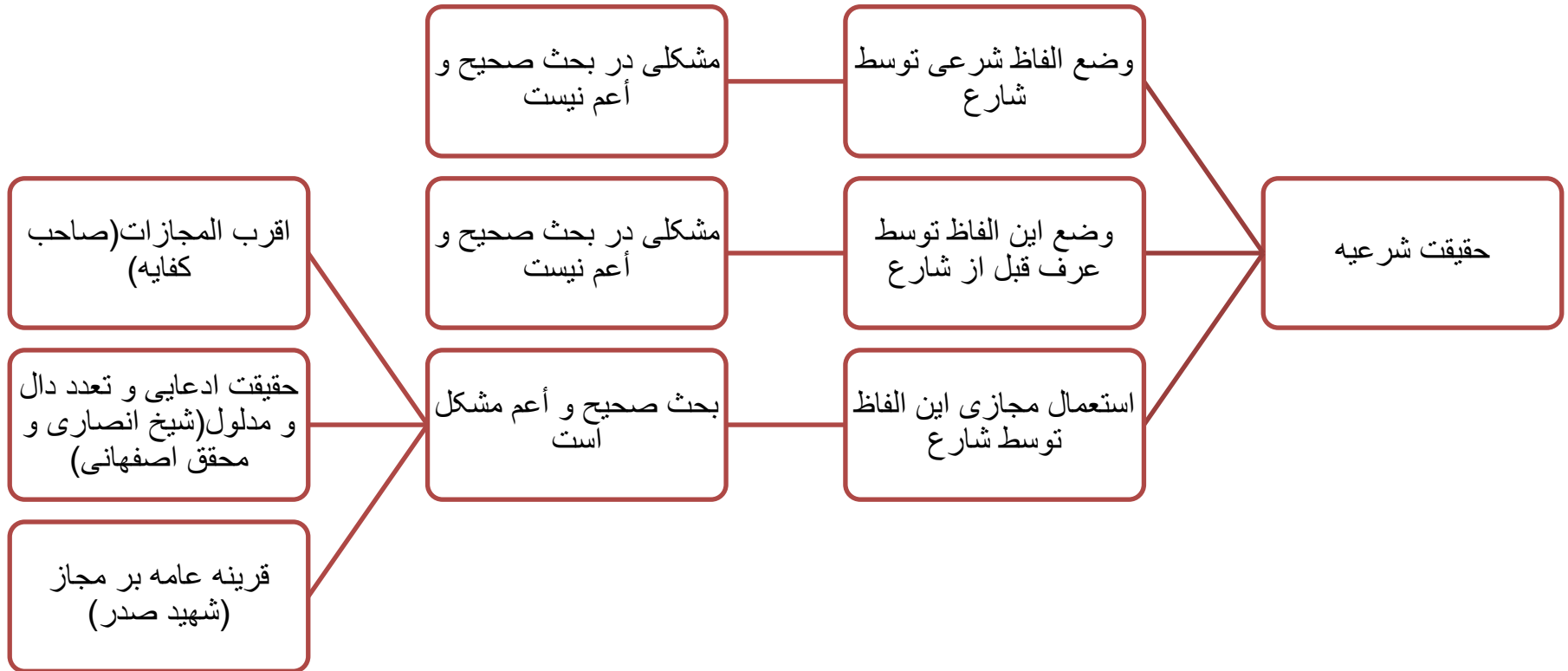
أقرب
المجازات
(صاحب
كفايه)

أقرب
المجازات
ممکن
است

صحیح و
أعم در
طول هم
نیستند







صحيح و أعم

- اشكال مرحوم صدر بر سخن اصفهانی - رضوان الله عليه -

صحيح و أعم

- ایشان اشکال می کند که این شیوه تکلم عرفی نیست؛ هرچند به لحاظ عقلی یک چنین شیوه ای متصور است. عرف به صورت عادی و معمول چیزی را که فاقد است به منزله واجد تنزیل نمی کند.

صحیح و اعم

- تعدد دال و مدلول گرچه امر عرفی و معمول است، در جایی است از الفاظی که برای تعدد دال و مدلول به کار می‌روند، همه وضع برای معانی خاصی شده‌اند و هر یک در معنای موضوع له خودش به کار می‌رود و مجموعه این دوال یک مدلولی را تشکیل می‌دهد که مراد نهایی ما از آن عبارت است در حالی که در بحث ما فرض کرده‌اید که صلاة هیچ یک از نماز صحیح و نماز اعم از صحیح و فاسد، معنای حقیقی لفظ صلاة نیست.

صحيح و أعم

- نکته‌ای که در ذهن شهید صدر هست هم در اشکال بر آخوند و هم اشکال بر مرحوم اصفهانی آن نکته را ایشان پیش فرض گرفته است این است که بنا بر مبنای مجازیت الفاظ در معانی شرعی، معنای صحیح و اعم دو معنای مجازی در عرض هم هستند.

صحيح و أعم

- بنابراین از نظر عرف کاربرد لفظ در هر یک از این ها کاربرد مجازی است و هیچ یک از دو به معنای حقیقی نزدیک تر نیست تا مثلاً عرفاً تقدمی داشته باشد.

صحیح و اعم

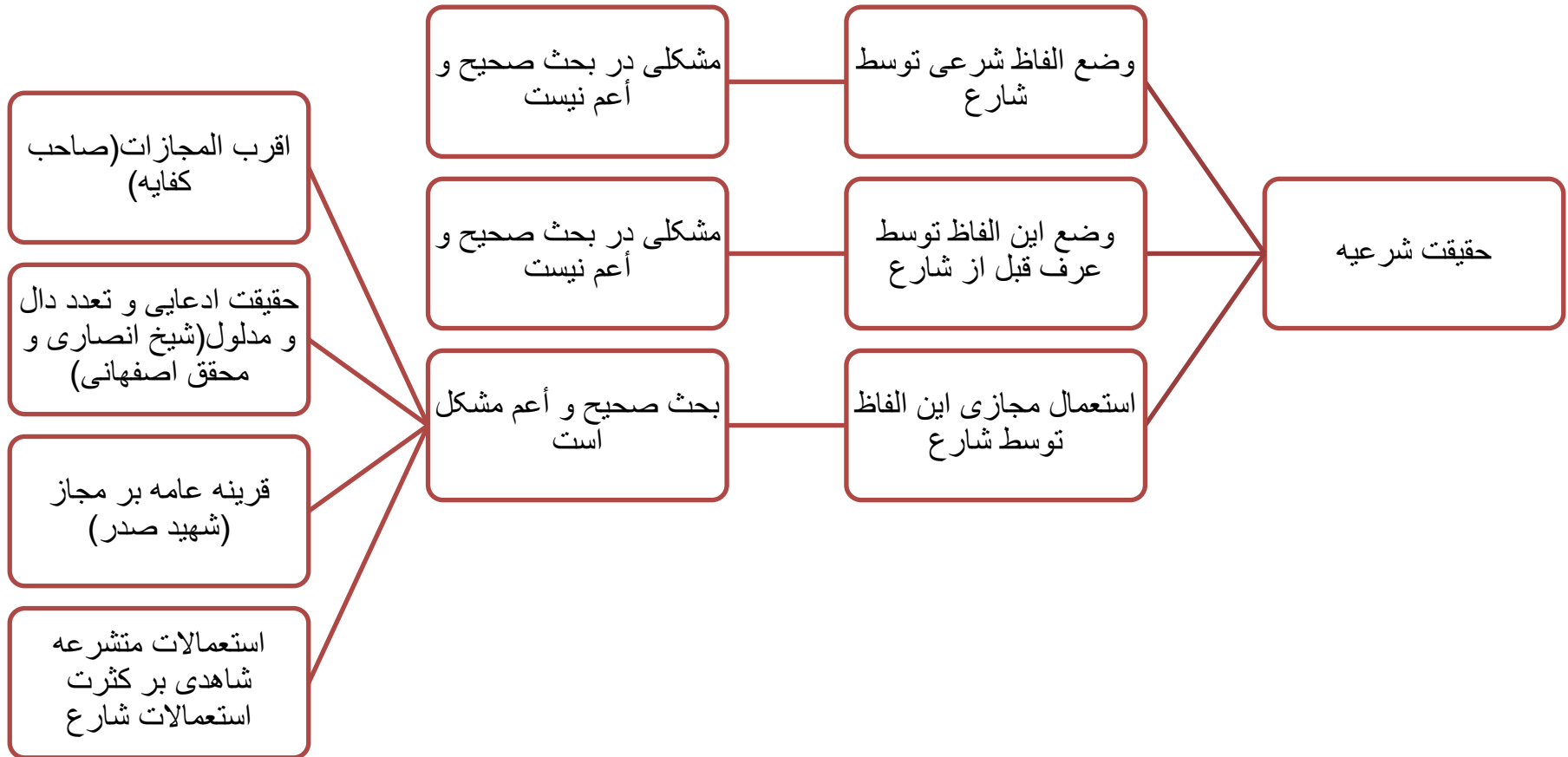
- با این نکته ایشان می‌گویند بحث از صحیح و اعم در واقع بحث از این است که آن قرینه عامه‌ای که شارع در استعمالات مجازی خودش برای تعیین معنای مجازی بر آن اعتماد می‌کرده است، آیا در نظر مخاطبین شارع دال بر معنای صحیح بوده است و یا دال بر مبنای اعم از صحیح و فاسد؟

صحيح و أعم

- سپس خود آقای صدر - رضوان الله عليه - بر خودش اشکال می‌کند که این قرینه عامه ممکن است قرینه لفظی نباشد، بلکه قرینه حالی (لبی) باشد؛ مثلاً یک فضا سخن یا یک امر معنایی و مفهومی بوده است. حال که آن قرینه از دسترس ما خارج است، چطور بگوییم که آن قرینه بر کدام یک از این دو دلالت می‌کرده است.

صحیح و اعم

- ایشان در جواب این اشکال می‌گویند به هر حال چنین قرینه‌ای وجود داشته است و چون چنین قرینه‌ای وجود داشته است. بنابراین معنا دارد که با جستجوی شواهد بینیم که آن قرینه دال بر معنای صحیح بوده است یا دال بر معنای اعم صحیح و فاسد.



صحیح و أعم

- طرح بحث از زاویه ای دیگر
- می توان این بحث را به شکل دیگری مطرح کرد که مشککش کمتر از بحثی باشد که شهید صدر - رضوان الله علیه - مطرح می کند.

صحيح و اعم

- می گوئیم حتی اگر نظریه مجازی بودن این معانی در لسان شارع را بپذیریم، خواهیم پذیرفت که این الفاظ در ادامه تاریخ در لسان متشرعه برای معانی شرعی وضع شده‌اند؛ یعنی اگر تردیدی در حقیقت شرعیه باشد؛ در حقیقت متشرعیه تردیدی نیست.
- بنابراین الآن می دانیم که این الفاظ در معانی شرعی حقیقت هستند. آنگاه بحث صحیح و اعم را به این شکل مطرح کنیم که آیا این الفاظ در لسان متشرعه در صحیح حقیقت هستند یا در اعم از صحیح و فاسد.

صحیح و أعم

- اگر در این جا صحیحی شدیم، می‌گوییم این نشان می‌دهد متشرعه به کثرت این الفاظ در معنای صحیح را استعمال می‌کردند؛ چون فرض این است که این وضع، وضع تعینی است و از کثرت استعمال نشأت گرفته است.

صحيح و اعم

- اینکه متشرعه به این الفاظ را در صحيح کثرت استعمال می کردند، قرینه است بر اینکه شارع هم این را به کثرت استعمال در صحيح می کرده است؛ چون احتمال اینکه شارع این را در معنای اعم به کثرت استعمال می کرده است و در همان حال بر خلاف شارع در لسان متشرعه به کثرت در معنای صحيح استعمال می شده است، عادتاً محتمل نیست؛ چون عادتاً متشرعه در پی استعمالات شارع این الفاظ را استعمال می کردند، بلکه استعمالات متشرعه به هر حال نشأت گرفته از شریعت است و به همین دلیل هم می گوئیم استعمالات متشرعه یعنی متشرعه از آن حیث که متشرع هستند، این گونه استعمال می کردند نه از آن حیث که عرب بوده اند یا از حیث قومیت و ملیتشان.

صحیح و اعم

- بنابراین حقیقت متشرعیه کاشف است از فراوانی استعمالات متشرعه در آن معنا و فراوانی استعمالات متشرعه کاشف از فراوانی استعمالات شارع است. پس آن معنای مجازی ای که غالباً شارع به کار می برده است، همان معنایی بوده است که امروز در لسان متشرعه معنای حقیقی شده است.

صحيح و اعم

- پس بحث صحيح و اعم بحث از اين است که اگر شارع اين الفاظ را در يك معنای مجازی به صورت کثير و غالباً به کار می برده است و متشرعه نمی دانسته که شارع اين لفظ را در فلان استعمال خاص در کدام معنا به کار برده است از باب اعم اغلب يا از باب ظهور در اثر غلبه استعمال بر همان معنا غالبی حمل می کردند و شاید مقصود از قرينه عامه‌ای که شهيد صدر - رضوان الله عليه - می گوید، همین باشد؛ زیرا ایشان هیچ راهی برای کشف آن قرينه عامه مطرح نمی کند در حالی که ما می گوئیم طریق کشف آن قرينه عامه همان حقيقت متشرعیه است.

صحیح و اعم

- نتیجه این بحثی که گفتیم این بود که در بحث حقیقت شرعیه هر بنیایی داشته باشیم، می توانیم بحث صحیح و اعم را مطرح کنیم.
- . که دومی بهتر است